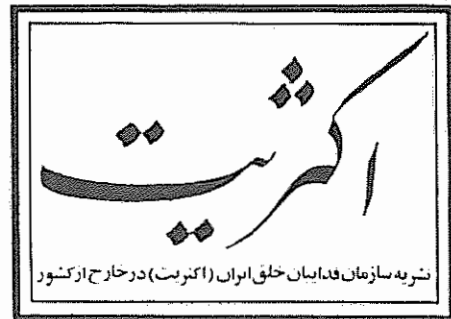


تاریخ برقراری آتش بس اعلام شد:

۲۹ مرداد، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه

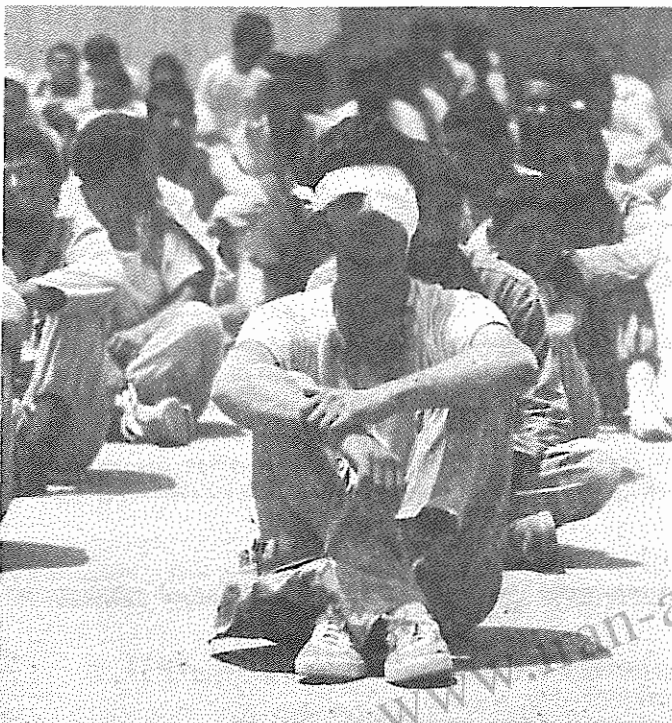
طفره روی بیشتر بر سر استقرار آتش بس خودداری کرد. خاویز پرز دو کونیار دبیرکل سازمان ملل، در هنگام اعلام تاریخ برقراری آتش بس در جلسه شورای امنیت به نمایندگی از سوی شورا خواستار آن شد که دو طرف درگیر تا موعده آتش بس از اقدامات نظامی بپرهیزند و روند برقراری صلح را دچار اختلال نکنند. هر دو رژیم بقیه در صحنه ۳

بالاخره در شامگاه روز دوشنبه ۱۷ مرداد (۸ اوت) بحث های جاری در سازمان ملل متحد با نمایندگان رژیم های جمهوری اسلامی و عراق به نتیجه رسید و تاریخ برقراری آتش بس اعلام شد: روز ۲۹ مرداد (۲۵ اوت)، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه (به وقت تهران)، پنج روز بعد از برقراری آتش بس در ژنو مذاکره مستقیم دو طرف درگیر آغاز خواهد شد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ناچار تن به مذاکره مستقیم داد و عراق از



دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ برابر ۱۵ اوت ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۲۰

تبریک به مردم ایران و عراق



تازه آغاز شده و اکنون باید که تقاص پس دهند.

جمهوری اسلامی خبر استقرار آتش بس را به عنوان خبری هادی و حتی پیش پا افتاده اعلام کرد. جشن مردم برای رژیم حکم هزار ا دارد. نگذاشتند سروری بر پا شود و نقشه صلح در خیابانها طنین افکند. اما مردم چه فرحناکند و چه شاددل. از هر امکانی برای پرنمودن جشن صلح در روز استقرار آتش بس سود جوئیم. شادمانی مردم بر ممدلی آنان می افزاید. امید و ممدلی و همیاری قدرت مبارزه خلق را صلابت می بخشد.

مردم دو کشور هنوز به درستی در اضطرابند. می دانند که دور رژیم از استقرار صلح پایدار ابا دارند. هنوز تشنج می آفرینند، هنوز می کوشند جبهه ها را پر کنند و به فوریت دستگاه جنگی خود را به سلاح های تازه مجهز سازند. مبارزه برای صلح هنوز بی مضمون نیست و مبارزه علیه جنگ اکنون کیفیت ثوینی یافته است: تقاص گرفتن از دو رژیم که اینک

تاریخ آتش بس اعلام شد. جنگ پس از ۹۵ ماه پایان می گیرد، جنگی که یک میلیون نفر قربانی بر جا نهاد. جنگ، جنگ بین مردم ایران و عراق نبود و اینک پایان آن یک پیروزی بزرگ برای مردم دو کشور است. مبارک باد این پیروزی بر خلق های رنج دیده دو کشور! بر خلق های دو کشور و همه بشریت! و ننگ و نفرت نصیب دو رژیم پلیدی باد که ۹۵ ماه آزار رنج و هزا و اضطراب نصیب مردمان دو کشور کردند. این دو رژیم در طی این مدت مرتکب چه جنایتهایی که نشدند: دسته دسته جوانان را به کام مرگ فرستادند، به کودکان نیز رحم نکردند، بر شهرها و روستاها بمب و موشک فروریختند، به بمب شیمیایی نیز توسل جستند و اینک هر یک خود را پیروز خطاب می کند.

جمهوری اسلامی هنوز می گوید اگر می خواست ضربه نهایی را می زد! صدام حسین از قادسیه پیروزمند دم می زند و خود را قهرمان ملی می خواند. اما هر دو رژیم می دانند که مشکلاتشان

جمعی از اسرای ایرانی در یک اردوگاه اسرای جنگی در بصره، اسرای دو کشور برای آزادی لحظه شماری می کنند. همه قلبهایی پر کینه دارند.

می خواهند به بهانه بازسازی قلمرو گسترده ای در برابر دارد. با محرومیت های تازه ای را به پایان یافتن جنگ مبارزه وارد زحمتکشان تحمیل کنند. مبارزه مرحله تازه ای شده است.

تشدید سرکوبی علیه خلق کرد

۲۸ مرداد هم یادآور کودتای آمریکایی شاه علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق و سیطره دیکتاتوری تمام هیار محمدرضا شاه است و هم یادآور فرمان خمینی در سال ۵۸ مبنی بر یورش به کردستان و همزمان با آن یورش حزب الله به سازمانهای چپ و دموکراتیک در سرتاسر کشور.

با فرا رسیدن ۲۸ مرداد ۹ سال از حمله سرتاسری رژیم به کردستان می گذرد. پیش از این تاریخ نیز رژیم خمینی کینه خود را به خلق کرد به صورت سرکوبهای خونین به نمایش نهاده بود. در ۲۸ مرداد ۵۸ این سرکوبگری به صورت سیستماتیک و همه جانبه درآمد.

در طی این مدت خلق کرد به صورتی حماسی در برابر عظیم ترین یورش مقاومت کرده است. مبارزه مسلحانه تداوم یافته و از حمایت قوی خلق بر خور دار بوده است. بقیه در صفحه ۵

زندانیان سیاسی مخفیانه کشتار می شوند

کارزار دفاع از جان اسیران در بند را حدت بخشیم!

زندانیان سیاسی به سلولهای انفرادی، نگرانی عظیم مردم و نیروهای انقلابی را برانگیخته است.

موج اعدام های جدید را باید در ارتباط با تحولات سیاسی جامعه در نظر گرفت، رژیم جمهوری اسلامی به درماندگی بی سابقه در قلمبده است. ماشین جنگی رژیم به گل نشسته و سیاستهای جنگ افروزان رژیم بکلی شکست خورده است. رژیم خمینی از پی آمدهای سیاسی آن بشدت هراس دارد. صدها هزار کشته و معلول و ویرانه های برجای مانده، همگی محصول سیاست جنگ افروزان رژیم بشمار می آیند. مردم کشور هرگز فراموش نخواهند کرد که رژیم سالیان سال تحت شعار "جنگ، بقیه در صفحه ۵

جان زندانیان سیاسی، این فرزندان برومند خلق، در خطر است. رژیم آزادی کش و آدمی خوار خمینی اخیرا کوشیده است تا با دست زدن به کشتارهای تازه در شکنجه گاه های، از توده ها زهر چشم بگیرد. بگونه ای مداوم، اخبار اعدام های تازه منتشر می شود. هم اینک ۵۵ تن از زندانیان سیاسی را، که حکم اعدامشان از سوی مقامات رژیم تأیید شده است، به سلولهای انفرادی منتقل کرده اند. ملاقات زندانیان سیاسی را برای دو ماه قطع کرده اند از سرنوشت این همه هیچ اطلاعاتی در دست نیست. هر لحظه می تواند، میدانهای تیر از خون این انقلابیون گلگون گردد. ماشین مرگ آفرین رژیم، اینک خود را برای کشتارها و سرکوب جدید آماده می کند. خبر انتقال بخشی از

پیشگام در آغاز چهارمین سال انتشار

پیشگام، نشریه سازمان جوانان پیشگام ایران با انتشار شماره ۳۷ خود چهارمین سال انتشار خود را آغاز کرد. نشریه پیشگام در اولین شماره سال چهارم حیات ثمرآفرین خود مقاله‌ای در تشریح نقش "پیشگام" و وظایف آن درج کرده است که در بخش‌هایی از آن آمده است:

چهارمین سال انتشار "پیشگام" را در شرایطی آغاز می‌کنیم که در آستانه ده سالگی سازمان جوانان پیشگام قرار داریم. نخستین اوراق تبلیغی سازمان ما، اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی بود که در روزهای تدارک انقلاب منتشر می‌شد و پس از آن نشریات "نبرد دانشجو" و "نبرد دانش‌آموز" و وظیفه تبلیغ و ترویج در صفوف پیشگامان را پی گرفتند. "نبرد دانش‌آموز" بویژه با اقبال وسیع خوانندگان روبرو شد و توانست نقش بسیار موثری در سازمانگری صفوف جوانان پیشگام و هواداران آن و حتی در میان توده جوانان میهن‌مان بازی کند. پس از توقف انتشار این نشریات در بهار سال ۶۰ بولتن داخلی "با جوانان، نوجوانان" ستون فقرات سازمان ما بود. به دنبال ضربات سال ۶۰ و با یک توقف دو ساله، نشریه پیشگام در تابستان ۶۳ شروع به انتشار کرد.

"پیشگام" در شرایط سرکوب و دیکتاتوری قرون وسطایی آخوندهای حاکم بر میهن ما، اکنون ۳ سال است که منظم به حیات رشد یافته خویش ادامه می‌دهد. "پیشگام" تلاش داشته و دارد که در این اوضاع دشوار، مبلغ، مروج و سازمانده صفوف جوانان پیشگام ایران باشد، اما به صراحت باید اذعان کرد که هنوز نتوانسته است به تمامی اهداف خویش دست یابد.

برای انجام رسالت خود، "پیشگام" در وهله نخست بر تلاش اعضا و هواداران سازمان جوانان متکی است. "پیشگام" - چنانکه تا امروز هم بوده و بیش از گذشته - نه فقط توسط عده محدود هیات تحریریه‌اش، بلکه

بامداد انبوه یارانش در سراسر کشور تمیّه و منتشر می‌شود. اکنون بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد که آن دسته از جوانان ما که استعداد و توانی در نوشتن دارند، وظیفه خبرنگاری برای پیشگام را وظیفه جدی خود تلقی کنند. چه در میان گروه‌های مرتبط با سازمان و چه در میان گروه‌های موادار (و حتی در میان جوانان منفرد و ترقی‌خواه) باید افرادی علاقمند در این زمینه معین شوند تا این وظیفه را به دوش گیرند.

آنها باید چه با تجربه شخصی و چه از طریق ارتباطاتی که با سایر رفقا و دوستانشان دارند، به جمع‌آوری اخبار و گزارش از زندگی و مبارزه جوانان میهن‌مان بپردازند، رپرتاژهایی از گوشه‌های مختلف زندگی جوان ایرانی در جبهه، دانشگاه، مدرسه، کارگاه و روستا تهیه کنند، به تحقیق پیرامون معضلات مختلف اجتماعی از بیکاری، مسایل دختران جوان، اوقات فراغت جوانان، ورزش، کانوهای فرهنگی و هنری بپردازند و موادی مستند و متکی به آمار ارقام و فاکت‌های متعدد آماده کنند. مصاحبه با جوانان از گروه‌های مختلف اجتماعی ترتیب دهند، به تصویر زنده و ادبی منظره‌هایی از زندگی پسران و دختران جوان میهن‌مان اقدام کنند. تازه‌ترین ابتکارات را در کار تبلیغ، فعالیت توده‌ای و سازمانگرانه، ایجاد تفکک میان جوانان، تشکیل روزنامه‌های دیواری و نشریات مختلف در مدارس و محلات، جمع‌بندی کنند.

♦♦♦♦

از همه اعضا و مواداران سازمان در خارج از کشور هم طلب کمک جدی و همه‌جانبه به "پیشگام" را داریم. نامه‌هایی که از خانواده و دوستان دریافت می‌کنند و حاوی مطالب جالبی است، خبرهایی که خبرنگاران پیشگام از داخل کشور به آدرس آنها می‌فرستند، اطلاعاتی که از آشنایان مسافر به خارج دریافت می‌کنند و بالاخره انعکاس زندگی و مبارزه صدها هزار جوان مهاجر ایرانی در خارج کشور - که از وظایف حتمی پیشگام است - باید توسط این رفقا و دوستان به دفتر نشریه برسد. مادر سازمان‌های خارج کشور نیز رفتاری علاقمند و با استعداد را به همکاری با "پیشگام" به مثابه خبرنگاران آن دعوت می‌کنیم.

ستمی که بر مامی رود

گزارشی به نقل از "پیشگام" شماره ۳۷ (نخستین شماره سال چهارم)

نقاشی‌های خیلی زیبایی هم می‌کشید. اما حسین دیگر نیست. از یک ماه پیش دیگر نیست. او به خاطر وضع دشواری که خودش و خانواده‌اش داشت، رگهای دستش را زد.

حلی از هم محلی‌هایی است که ۱۴ ماه خدمت کرده است. تاکنون در خط مقدم بود و چندبار تادم مرگ رفته است. ماه ششم خدمت، مادرش فوت کرد ولی به او نگفتند تا مبادا فرار کند. حلی حالا هر وقت که به مرضی می‌آید سراغ مجلس دود می‌رود. می‌گوید برای اینکه ساهتی در این دنیا نباشم و به فضا بروم، این کار را می‌کنم. می‌گوید جبهه بهترین جا برای نشنگی است، چون نه کسی است که مزاحم شود و نه کسی مخالف است، بنابراین راحت و با خیال آرام به فضا می‌روند. حلی سابقا بچه بجوشی بود و با تمام بچه‌های محله رفیق، اما حالا که گاه گداری می‌آید فقط در خودش است، بی خیال دنیا و کاری به کسی ندارد. منوچهر فرزند خانواده‌ای است که پدرش کارمند جزو شهرداری است. برادرش پاسدار است و پدرش مذهبی بسیار متعصب. خودش هم زمانی نماز می‌خواند اما بقیه در صفحه ۹

بیمناکند، چون هیچ چیز مشخصی در آن دور دست معلوم نیست. نوهی گیجی در همه وجود دارد، زمان می‌گذرد و هیچ تسکین خاطر نمی‌یست. برای آنکه تصویری واقعی نسبت به وضع جوانان داده باشم، چند نمونه از محله خودمان را مثال می‌زنم: حسین که الان ۷ سالی است در محل ما زندگی می‌کند، از بچه‌های جنگ زده خرمشهر است. ۲۳ ساله است و در یک خانواده ۱۰ نفری زندگی می‌کند. همه خواهرها و برادرها هر کدام در گوشه‌ای مشغول به کارند ولی وضع مالی‌شان بخور و نمیر است. حسین بچه بسیار با استعدادی است. با وجود اینکه کار می‌کرد، دوبار در کنکور قبول شد و رتبه خیلی خوبی هم آورد، اما هر دو بار در تحقیقات مردود شد. حسین، جوان خیلی با اخلاقی بود، هر کس او را می‌دید خیلی دوستش داشت. به خاطر دفاع از حق چندبار کارش را در کارگاه‌های مختلف از دست داد. حسین اگر سر حال بود

چاره‌ای جز خوردن این دوا می‌رگ‌آور را ندارند. زندگی برای هم سن و سالهای ما خیلی یکنواخت و خسته کننده است. بنابراین هر تفریح سالم و ناسالمی آنها را جلب می‌کند، دنبال هکس هنرپیشه‌ها، نوار موسیقی، لباسهای عجیب و غریب و خلاصه کارهای دیگر می‌روند تا شاید زندگی رنگ تازه ای گیرد.

بچه‌هایی که به سر بازی می‌روند، امیدی به زنده برگشتن از خدمت ندارند و تازه، وقتی هم برگردند احوال هلاکی و بیکاری است. در جمع جوانان که بنشینید، جمعی که اصلا سیاسی هم نباشد از اوضاع مملکت حتما صحبت می‌شود و حتما بسیاری از آنها مخالف رژیمند، آرزوی بسیاری از مایمیان یافتن جنگ است. خیلی از بچه‌ها از این که در چنین دوره‌ای به دنیا آمده‌اند ناله می‌کنند، دوره‌ای که در آن مرگ دوستان چیزی هادی است، دوره‌ای که جنگ و خونریزی پایان ندارد. همه به آینده فکر می‌کنند و به شدت از آن

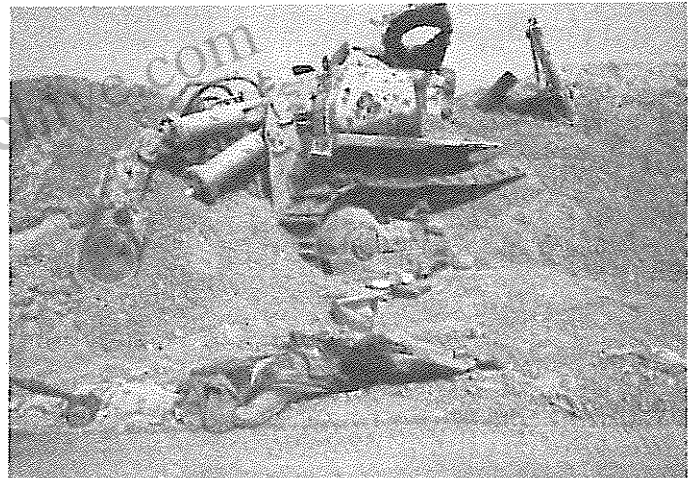
"... جوانهای مملکت ما انگار قشر فراموش شده جامعه هستند و اساسا کسی توجهی به آنها و زندگی‌شان نمی‌کند. اکثرا بی هدف و سرگرداندند. به دلیل فشار زیاد، جوانها روز به روز بیشتر به فساد نزدیک می‌شوند، الان شغل بسیاری از بچه‌ها کرایه فیلم و ویدئو یا خودویدئو، درست کردن مشروبات الکلی و فروش آنها و بدتر از همه وارد شدن در کار مواد مخدر است. هیچ آینده‌ای برای تحصیل و ادامه آن وجود ندارد. بخصوص برای پسرها سر بازی مسئله اصلی است و اینکه چگونه می‌توان از آن فرار کرد. آنهایی که دستشان به دهن می‌رسد، راهی خارج می‌شوند اما اکثریت بقیه بالاخره چاره‌ای ندارند جز سر بازی رفتن. چرا که برای پیدا کردن شغل باید معافی داشت و برای راه رفتن در خیابان هم کارت پایان خدمت ضروری است. این دستور دولت است. فراریان از سر بازی هم زیادند اما بسیاری از آنها هم سرانجام

نظارت سازمان ملل بر آتش بس

بر امر برقراری آتش بس بین ایران و عراق، یک هیات ۳۵ نفره از نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد نظارت خواهد کرد که اعضای آن از روز ۲۹ مرداد در مناطق مرزی مستقر می‌شوند. اعضای هیات از ۲۴ کشور فراهم آمده‌اند: آرژانتین، استرالیا، بنگلادش، دانمارک، فنلاند، فنلاند، هندوستان، اندونزی، ایرلند، ایتالیا، یوگسلاوی، کانادا، کنیا، مالزی، زلاندنو، نیجریه، نروژ، اتریش، لهستان، زامبیا، سنگال، سوئد، ترکیه و مجارستان. سرپرستی هیات بر عهده ژنرال اهل یوگسلاوی اسلاو کویویویچ است. امور مخابرات را کانادا عهده دار شده است.

اقامت ۶ ماهه این هیات در مرز ایران و عراق ۷۴ میلیون دلار خرج برمی‌دارد. اکنون یک مشکل مهم برای سازمان ملل تامین این مخارج است. سازمان ملل به لحاظ مالی در آستانه ورشکستگی قرار دارد. علت این امر در درجه اول آن است که آمریکا حاضر نیست سهمیه خود به سازمان ملل را بپردازد. هم‌اکنون آمریکا حدود ۴۶۷ میلیون دلار به سازمان ملل بدهکار است.

پرز دو کوئیار برای تامین مخارج استقرار هیات نظارت بر آتش بس در مرز ایران و عراق از همه کشورها تقاضای کمک مالی کرده است. آمریکا به این تقاضا چنین پاسخ گفته: کشورهایی باید در این زمینه کمک کنند که از آتش بس منفعبت می‌برند. نفع آتش بس به جیب ژاپن و کشورهای منطقه خلیج فارس می‌ریزد پس این کشورها باید مخارج نظارت بر آتش بس را تامین کنند!



هوامل رژیم خمینی با شتابزدگی شعارهای "جنگ تا پیروزی" و "راه قدس از کربلا می‌گذرد" را از دیوارها پاک می‌کنند. بدیهی است که مردم چه می‌گویند: ننگ با رنگ پاک نمی‌شود. شعارها را از دیوارها می‌زدایند، اما با این تصاویر تکان دهنده که در ذهن همگان نقش بسته است چه می‌کنند. به خانواده این سرباز چه پاسخی می‌دهند؟ کشتگان جنگ تقاص می‌طلبند.

تاریخ برقراری آتش بس اعلام شد:

۲۹ مرداد، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه

گذشته رفسنجانی شرایط جمهوری اسلامی برای برقراری صلح را اعلام کرد. "اعلام عراق به عنوان متجاوز" و پرداخت ۳۵۰ میلیارد دلار خسارت جنگی رئیس اصلی این شرایط است. عراق نیز بطور غیر رسمی و زمزمه‌وار، خلاف قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ساحل شرقی شطالعرب را مرز دو کشور اعلام کرده است. هلی‌شم این تشنج آفرینی‌ها و طرح چنین شرایطی، هنوز نمی‌توان در مورد آینده این شرط گذاری‌ها نظر قطعی داد. علاوه بر تاثیر عوامل داخلی، عوامل خارجی نیز قویا بر روی مذاکره بر مبنای این شرایط تاثیر خواهند گذاشت. مذاکره صلح در ژنو، برای جمهوری اسلامی یکی از اجزای مجموعه مذاکراتی است که در حال انجام آن است و یا تدارک آنها را دیده است. در حال حاضر مذاکرات دیگر، از جمله با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، برای رژیم در اولویت قرار دارند. لکن رژیم در ژنو تا حدودی تابع حد ثمربخشی این مذاکرات است. مذاکره با آمریکا نیز در خفا و با کشورهای اروپای غربی آشکارا جاری است و مجموعه آنها رژیم را وامی‌دارد که رفتار محتاطانه‌ای داشته باشد. رژیم یک رکن ثبات بخشی به وضعیت خود را در روی میز این قبیل مذاکرات جستجو می‌کند.

پتیه از صفحه اول

بطور رسمی این درخواست را پذیرفتند، اما همانگونه که انتظار می‌رفت و همچنان انتظار می‌رود دست از تحریکات خود برداشتنند. فورا شکایت بردن به شورای امنیت آغاز شد. جمهوری اسلامی شکایت کرد که جنگنده‌های عراقی بر فراز آسمان چند شهر ایران ظاهر شده و دیوار صوتی را شکسته‌اند. عراق هم شکایت کرد که قوای جمهوری اسلامی در روز پنج‌شنبه ۲۰ مرداد ۴۰۰ خمپاره بر روی مواضع عراق در جبهه جنوبی پرتاب کرده است.

در هفته گذشته دو هیات که هر یک مرکب از پنج نفر است، از سوی سازمان ملل به ایران و عراق رفتند تا در آنجا ضمن آماده‌سازی مقدمات استقرار میاتهای نظارت بر آتش بس، از هم‌اکنون بر نقل و انتقالات نظامی کنترل داشته باشند. در ضمن مقدمات مبادله اسرا نیز فراهم می‌شود. صلیب سرخ جهانی در همین رابطه مشغول مذاکره با مقامات تهران و بغداد است.

پس از برقراری آتش بس، مذاکرات صلح آغاز خواهد شد. جمهوری اسلامی همچنان می‌کوشد نطفه‌های تشنج یا برجا بمانند و مذاکرات صلح پیشرفت روشنی نداشته باشد. در هفته



فقط جمهوری اسلامی اسلام پناه نیست!

پس از اعلام خیر تعیین تاریخ آتش بس، صدام حسین که به خود لقب پیروز داده است، به زیارتگاهی در سامره رفت تا شکر به جا آورد و بدینسان نشان دهد که او نیز از امدادهای فیزی بر خوردار بوده است. فقط جمهوری اسلامی اسلام پناه نیست. صدام هم موجود مومنی است.



انحصارات امپریالیستی

برای سهم ببری از "بازسازی" یورش آورده اند

طی یک ماه اخیر تهران یکی از پرترددترین مراکز دیپلماتیک منطقه بود. هفته گذشته پیش از آن که نمایندگان انحصارات ایتالیا، ژاپن و استرالیا تهران را ترک کنند، فرستاده ویژه تاجر وارد ایران شد. "روجر" وزیر تجارت ایتالیا که در اس یک هیات اقتصادی ۵۰ نفره از تهران دیدار کرد، در پایان، با انبوهی قرارداد تازه در رابطه با فولاد مبارکه، اسکله بندر عباس، پالایشگاه نفت و... به رم بازگشت و بیل هایدن وزیر امور خارجه و تجارت استرالیا در پایان دیدارهای خود، خشنود از توافق های حاصله، ایران را کشور شروتمندی خواند که تاکنون استرالیا از توجه بیشتر به آن غافل بوده است.

در توکیو اعلام شد که وزارت صنایع و بازرگانی ژاپن "میتی" با اعطای یک وام چهارصد میلیون دلاری جهت احداث پالایشگاه بندر عباس با ظرفیت روزانه ۴۳۰ هزار بشکه موافقت کرده است. احداث پالایشگاه به شرکت های "میتسویی"، ماروبنی و سومیتو که بخش ژاپنی کنسرسیوم ژاپن - ایتالیا را تشکیل می دهند واگذار شده است.

روز جمعه، تهران میزبان دیپلمات "برجسته" بریتانیایی بود. "دیوید ردوی" دیپلماتی که فارسی را نیز به خوبی صحبت می کند قرار است دو تا سه هفته میهمان جمهوری اسلامی باشد. وزارت امور خارجه اعلام داشت که "ردوی" به عنوان نماینده وزارت خارجه انگلیس طی اقامت خود در تهران با مقامهای جمهوری اسلامی در زمینه روابط دوجانبه گفتگو خواهد کرد. در لندن نیز دولتمردان بریتانیایی می گویند "ردوی" را

برای ارزیابی اوضاع ایران برای دو سه هفته به تهران فرستاده اند. قرار است فرستاده تاجر، نظرات خود را در زمینه بهبود و گسترش مناسبات با ایران به لندن گزارش کند تا روابط کامل از نو احیا شود.

از سال گذشته که سفارت بریتانیا در تهران تعطیل شد، "ردوی" نخستین دیپلمات بریتانیایی است که رسماً از ایران دیدن می کند. یکی از مسایل مورد گفتگو میان ایران و بریتانیا، مسئله گروگانهاست. دو روز پیش از ورود فرستاده تاجر به تهران، محمدرضا سعید محمدی از سوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی هازم لندن شد و در آنجا با استفت اعظم کلیسای کاتربری پیرامون مسئله گروگانها به گفتگو پرداخت. روز پنجشنبه سفارت ایران در لندن طی بیانیه ای اعلام داشت که ایران آماده است جهت آزادی گروگانهای غربی همکاری کند. در این بیانیه گفته شد که جمهوری اسلامی راههای کمک متقابل را مورد بررسی قرار داده است. در پی انتشار بیانیه، محمد آخوندزاده کاردار سفارت ایران در لندن نیز طی گفتگویی با تلویزیون بریتانیا آمادگی ایران را برای رفع موانع گسترش روابط با بریتانیا اعلام کرد. در تهران نیز ولایتی در شبکه دوم تلویزیون ظاهر شد و استقبال جمهوری اسلامی را از "ردوی" نمایندگی وزارت امور خارجه بریتانیا مورد تایید قرار داد.

"ردوی" از سوی آمریکا نیز که ۹ گروگان در دست گروههای لبنانی طرفدار جمهوری اسلامی دارد مذاکره خواهد کرد تا مشکل گروگانها از سر راه روابط ایران و آمریکا برداشته شود.

اعلام آمادگی جمهوری اسلامی
برای امضا قرار داد با آمریکا

کاظم پوراردبیلی معاون وزارت نفت جمهوری اسلامی در امور بین المللی اطلاع داد که ایران آماده امضای قرارداد با کمپانی های نفتی آمریکایی است. کاظم پوراردبیلی گفت که به نظر وی در زمینه انعقاد موافقت نامه با شرکت های آمریکایی هیچگونه مشکل لاینحلی وجود ندارد و ایران آماده است با آن دسته از انحصارات آمریکایی که تمایل به معامله دارند قرارداد ببندد.

معاون وزیر نفت که باروزنامه انگلیسی زبان "تهران تایمز" مصاحبه می کرد با اشاره به سیاستهای نفتی ژاپن و فرانسه، از این دو کشور خواست که روابط با ایران را "دوستانه تر" سازند. معاون وزیر نفت در زمینه فروش نفت به ژاپن گفت: عرضه نفت ایران به ژاپن به سطح ۴۰۰ هزار بشکه در روز تنزل کرده و این میزان با سطح عرضه ای که قبلاً به این کشور فروخته شده و ۳۱۴ هزار بشکه در روز بود قابل مقایسه است. ژاپن به دنبال اجلاس هشتاد و سه اوپک و

کاهش شدید قیمت نفت سیاست خریدهای نفتی خود به روش "خرید شناور" و قرارداد موقت تغییر داد و اعلام داشت که ایران باید باز هم در قیمت نفت خود تخفیف دهد. فروش ارزان نفت توسط ایران و تولید بیش از نظام سمیمیه ای عراق بازار فروش اوپک را بیشتر دستخوش سیاست "خریداران" کرده است.

به نوشته روزنامه الشرق الاوسط چاپ ریاض اوپک اخیراً اعلام کرده است ایران و عراق چنانچه از سیاست تثبیت وضع بازار نفت اوپک در جهان حمایت کنند، هر دو کشور می توانند از حمایت مالی اوپک برخوردار شوند. کارشناسان اوپک معتقدند عراق بیش از دو برابر سمیمیه خود نفت تولید می کند و ایران برای حفظ بازار خود، تخفیف بیشتری به مشتریان می دهد.

تصویب قانون مجازات
مشمولین غایب نظام و وظیفه

هلیرقم تحولات جاری در مورد جنگ، جمهوری اسلامی همچنان مشغول بگیر و ببند مشمولین فراری از جبهه های جنگ است. هفته گذشته شورایی عالی پشتیبانی جنگ قانون تازه ای

برای مجازات مشمولین فراری و غایب "به" تصویب رساند. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که بنا به تصمیم شورایی عالی پشتیبانی جنگ، مجازات شامل آن دسته از "مشمولین فراری و غایب" خواهد شد که تا تاریخ ۱۹ شهریور سال جاری خود را به مراکز ذیربط معرفی نکنند.

بر اساس همین گزارش، در مصوبه شورایی عالی پشتیبانی جنگ برای کسانی که با جعل یا تقلب موجبات معافیت از خدمت افراد مشمول خدمت و وظیفه را فراهم کرده اند مجازاتهایی در نظر گرفته شده است.

پیش از تصویب قانون مجازات مشمولان، خامنه ای رئیس شورایی عالی پشتیبانی جنگ روز ۱۱ مرداد طی سخنرانی خود در اهواز، از رفسنجانی جانشین فرماندهی کل قوا خواست که مجازات فراریان را شدت بخشد. به دنبال آن رزمجو رئیس اداره وظیفه همومی در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: طرحهایی در دست اجراست که تقریباً خدمت وظیفه فراریان و غایبین به چند برابر افزایش یافته و هر زمان که دستگیر شوند حتی پس از پایان جنگ نیز با همان ضوابط زمان جنگ با آنان رفتار و به اشد کیفر مجازات خواهند شد.

بازیهای المپیک سئول و
بلا تکلیفی جمهوری اسلامی

به آغاز بازیهای المپیک ۸۸ سئول کمتر از ۲ ماه باقی مانده است و جمهوری اسلامی هنوز نسبت به شرکت یا عدم شرکت در آن نتوانسته است تصمیم بگیرد.

هفته گذشته تقیوند مسئول فدراسیون وزنه برداری اعلام داشت که وی به علت ضعف بیش از اندازه تیم وزنه برداری ایران، با حضور ورزشکاران این رشته در المپیک مخالف است. تقیوند در گفتگویی با مطبوعات با اشاره به نتایج عملکرد تیم ملی در دو سال اخیر اظهار داشت: "من معتقدم که نباید در المپیک سئول شرکت کنیم چون مقامی بدست نخواهیم آورد اما کمیته المپیک اصرار دارد که چند وزنه بردار به سئول اعزام شوند." وی افزود که هلیرقم نظر خود به دستور کمیته المپیک "چند نفری را که آماده تر از بقیه بودند را به کمیته معرفی کرده است"

رئیس فدراسیون وزنه برداری پیرامون هلل ضعف تیم وزنه برداری ایران گفت: "فقر امکانات و کمبود بودجه هلت اصلی پس رفت وزنه برداری می باشد. علاوه بر این همه انگیزه ها در وزنه برداران ما مرده است."

قرار بود در المپیک ۸۸ سئول ایران تنها در چهار رشته وزنه برداری، کشتی، دوچرخه سواری و کاراته شرکت کند، در هر چهار رشته ذکر شده، تیم ها در ضعیف ترین موقعیت خود بسر می برند. به این ترتیب حضور ایران در بازیهای المپیک برای سومین بار طی ۱۲ سال اخیر در پرده ابهام باقی مانده است. هم اکنون نیز به تصمیم مسئولین تمام فعالیت های ورزشی در سطح کشور "تا بازگشت رزمندگان از جبهه" تعطیل شده است.

«شیمیایی‌ها»

بخشی از یک گزارش از یک روستای بمباران شیمیایی شده در کردستان



وقتی وارد یکی از روستاهای بمباران شیمیایی شده (نژمار) شدم، در نظرم صحنه‌هایی از فیلمها که مناطق طاعون زده قرن نوزده را نشان می‌داد مجسم نمودم که اکنون به واقعیت تبدیل شده و جلوی چشم حاضر بود. وحشتناک است، پس از لاشه حیوانات که اول روستا به چشم می‌خورد، در اولین کوچه پیرمردی را می‌بینم که بر بالای سر چند جنازه ایستاده و با تمام وجود ناله می‌کند دلداریش می‌دهم بی‌توجه به حرف‌هایم می‌گوید، این دخترم، آن دامادم و بچه‌ها و آنوقت فریاد می‌کشد کو؟ کجاست خدا؟ وقتی می‌بینم دلداریم داغ پیرمرد را زیادتر می‌کند، به کوچه دیگر می‌روم و ... اعضای یک خانواده که نتوانسته‌اند از دست مرگ بگریزند بناچار برای آنکه باهم بمیرند، به ردیف مثل اینکه بعد از یک روز خوش خواب رفته باشند، جان را نخوابسته به حافظان مرگ تقدیم کرده‌اند و در داخل خانه‌ها بچه‌های معصوم در کنار پدر، مادر، برادر، خواهر، بی‌خبر از همه جادو حین بازی، غذا خوردن، درس خواندن، با همان حالت، طعمه بمباران شیمیایی شده‌اند. روستایی که باید در آغاز بهار، بوی گل و آوای بلبل از آن برخیزد، بوی

می‌زند مال و حیوانم را چه کنم؟ زبان بسته‌ها از بی‌آبی و بی‌فدایی می‌میرند. فکر می‌کنم، وقتی حاصل چندین سال زحمت و تلاش که بیش از چند راس بز و گوسفند نیست و با تمام وجود به آن وابسته است، نباشد، زندگی چه مضمومی خواهد داشت؟؟ ...

مرگ جان بدر برده‌اند چه کنند؟ به کجا پناه ببرد، چه کسی در دلش را لمس می‌کند؟ می‌گویم، اینجا آلوده است، به وسایل دست نزنید، چرا در اینجا مانده‌اید؟ با حالتی حزن انگیز و باندوه تمام می‌گوید کجا بروم؟ کجا را دارم؟ و تازه ما را در روستاهای دیگر راه نمی‌دهند، می‌گویند شما شیمیایی هستید. و در آخر حرف دلش را

مرگ می‌دهد و فغان بازماندگان قربانیان. در اینجا بهار نیست، خزان نیست، خزان نوگله‌ایست که نشکفته پرپر شده‌اند. بیچاره‌ها از شهر به روستا پناه آورده بود تا زن و فرزندانش از زیر سایه بالهای مرگ کرکسان جنگ به روشنایی زندگی و امید به آینده بهتر هدایت شوند، و حالا در روستا طعمه مرگ شده‌اند؟؟؟ بازماندگانی که از

سلولهای انفرادی و در کل اسارتگاههای رژیم پراکنده است. نگرانی از خطر مملکتی که جان زندانیان سیاسی کشور را تهدید می‌کند، باید به کنش سیاسی فراخور فراروید. باید با تمام قوا مانع از تحقق سیاستهای اهریمنی رژیم خمینی گردید باید متحدانه به دفاع از جان زندانیان سیاسی کشور پرداخت. باید با برانگیختن حس همدردی و حمایت نیروهای صلحدوست و ترقیخواه بشریت مترقی را علیه سیاستهای مرگ‌آفرین رژیم خمینی بسیج کرد. با تلاش متحد و یکپارچه خود، رژیم را در اجرای سیاستهای ضدانسانی‌اش، فلج سازیم.

زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه اول

جنگ تا پیروزی؟
جوانان بیشماری را به مسلخ‌گاه کشید و سیه‌روزی عظیمی را نصیب مردم کرد. اینک رژیم ماشین جنگی را خاموش کرده و برای بقای خود، ماشین سرکوب را با توان بیشتر بکار انداخته است. حکومت فقط می‌کوشد تا با سرکوب مردم و از جمله اعدام انقلابیون اسیر، برج و باروی حکومت خود را از گزند خشم ربه‌تزاید مردم در امان دارد. رژیم جفدهای شوم مرگ را در

تصحیح و پوزش

در شماره ۲۱۹ اکثریت در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان در باره اعدام گروهی دیگر از زندانیان یک اشتباه تایپی صورت گرفت. متن صحیح آن به قرار زیر است:

فدایی خلق، رفیق قهرمان فرامرز صوفی، از کادرهای

تشدید سرکوبی

علیه خلق کرد

بقیه از صفحه اول

خویش ادامه دهد. همبستگی بیشتر در درون این جنبش و در سکیری از همه تجربیات پیشین، خلق کرد را قادر خواهد ساخت که در مرحله تازه نیز مقاومت را پیش برد و پرچم رزم را برافراشته نگه دارد.

در چنین شرایطی حمایت فعال از جنبش خلق کرد ضرورت مضاعفی می‌یابد. به این حمایت باید ابعاد جهانی داد. بر ماست که در خارج از کشور تشدید سرکوبگری علیه خلق کرد را برای جهانیان بازگو کرده و طلب کنیم که حمایت بیشتری از این جنبش صورت گیرد. همدستی عملی سه رژیم ایران و عراق و ترکیه در سرکوب خلق کرد را افشا کنیم و مبارزات دلاورانه این خلق را پرتوان بازتاب دهیم.

اکنون رژیم با پایان یافتن جنگش با عراق، انرژی بیشتری از ماشین جنگی خود را به سرکوب خلق کرد اختصاص می‌دهد. رژیم عراق نیز عینا به چنین سیاستی رومی‌آورد و از هم اکنون به سلاحهای شیمیایی هم‌توسل بسته تا به هم خود جنبش خلق کرد در عراق را معار کند. برای ترکیه نیز فرصت مغتنمی پدید آمده است تا با وحشی‌گری بیشتری به سرکوب خلق کرد در ترکیه کمر بندد و در این زمینه به جمهوری اسلامی و عراق نیز یاری رساند. بدین سان سرکوب خلق کرد وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. این بار ابعاد سرکوبگری وسیعتر است اما به شهادت تاریخ جنبش خلق کرد خواهد توانست به مقاومت حماسی

برجسته سازمان ما، و رفقا سعید آذرنگ مبارز پرسابقه، مقاوم و ثابت قدم، از کادرهای حزب توده ایران، کیومرث زرشناس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، و نیز تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در میان اعدام‌شدگان هستند.

دور از میهن

پناهندگان ایرانی در تایلند در تنگنای مالی و امنیتی

وضعیت پناهندگان ایرانی در تایلند روز به روز وخیم تر می شود. در این راستا سیاست های دفتر پناهندگان سازمان ملل در تایلند نقش ویژه ای دارد. کاهش کمک هزینه بسیار ناچیزی که توسط این دفتر به پناهجویان پرداخت می شود، محدود کردن دایره افرادی که کمک هزینه دریافت می دارند و نپذیرفتن تقاضای پناهندگی بسیاری از متقاضیان از جمله نشارهایی است که بر پناهندگان ایرانی در تایلند

احمال می شود.

طی چند ماه گذشته میزان پذیرش پناهجویان مجرد و اخیرا خانواده های پناهجو بشدت کاهش یافته است.

خانواده هایی که مسئولین دفتر پناهندگان قبل از اعلام نتیجه قبولی آنها را مشمول دریافت کمک مالی نمی کنند بشدت در تنگنای مالی قرار دارند. قبلا همه متقاضیان پناهندگی مبلغی جهت گذران زندگی دریافت می داشتند.

زندان پاکستان از زبان یک پناهنده ایرانی

در شماره ۳۷ بولتن "کانون پناهندگان ایرانی - کراچی" متن مصاحبه ای با یک پناهنده ایرانی به چاپ رسیده است. وی در آن از شرایط بغایت فیر انسانی زندان مرکزی کراچی سخن می گوید. این پناهنده به مدت ۶ ماه زندانی بود و بتازگی در نتیجه تلاش های کانون آزاد شده است.

در این شماره "اکثرت" جهت آگاهی خوانندگان از چگونگی رفتار پلیس فاسد رژیم ضیاالحق با پناهندگان و پناهجویان دستگیر شده، بخش هایی از این مصاحبه را درج می کنیم:

"۱۵ دسامبر از کویته با اتوبوس به طرف کراچی حرکت کردم، بی اطلاع از این که چه سرنوشت شومی در انتظارم است. نزدیکیهای کراچی که رسیدیم پلیس راه را بر ماشین بست و یکی از مامورین به داخل ماشین آمد و به بازرسی کیفها مشغول شد. وقتی به من رسید گفت: ایرانی و وقتی با جواب مثبت من روبرو شد از من تقاضای پاسپورت و یا همان "شناختی کارت" شد که من با خاطر آسوده با نشان دادن برگه های U.N خودم را معرفی کردم، پلیس بدون توجه به این برگه، یقه پیراهن مرا گرفت و بزور از ماشین پائین کشیدند و همچنین مرا از ماشین پائین آوردند و از همانجا با کتک البته چند نفری تا داخل پاسگاه بردند و

مثل اینکه با قاتل فراری که چندین نفر را کشته و بعد از مدتی دستگیر شده است در چندین نوبت البته همراه با ضرب و شتم فراوان و اذیت و آزار همچنین پر خاش و توهین با من برخورد کردند و آخراش گفتند که فیر قانونی وارد پاکستان شده ای و مبلغ /- ۲۰۰۰۰ روپیه باید بدی تا آزاد شوی و من در جواب گفتم حتی یک شاهی هم پول ندارم و تحت تیمومیت سازمان ملل هستم. رئیس پاسگاه در جواب گفت که سازمان ملل در اینجا اعتباری ندارد و ما هر کاری که خواستیم می توانیم با پناهنده ها انجام دهیم. خلاصه بعد از اینکه برایشان ثابت شد که چیزی از من در نمی آید شروع به پرونده سازی کردند و به من گفتند که زیر پرونده ها را امضاء کن و وقتی با امتناع من مواجه شدند یکی از پلیسها را صدا کردند و شخص مزبور به جای من زیر پرونده را امضا کرد.

در سترال جیل چه گذشت، وضعیتتان در زندان چگونه بود؟

بعد از ورود به سترال جیل می توان گفت وارد دو مین مرحله از کل مشکلاتم شدم اول از همه می توانم به صراحت بگویم که در زندان سترال جیل زندانی وجود خارجی ندارد و همچنین زندانی را به چشم یک حیوان نگاه می کنند و با طرح این مسئله که زندانی به معنی کسی که قوانین جامعه رازیر پا

گذاشته پس هر کاری که خواستیم می توانیم با زندانی انجام دهیم و این را عمل ثابت کردند بعد از ورود به داخل زندان تا نزدیکیهای فروب ما را در یک محوطه بصورت اتاقک فرم نگهداشتند و ساعت ۶ عصر ما را به طرف بارکها (بندها) بردند بعد از ورود به محوطه دیگری به نام نیوجیل ما را به بارک (بند) خارجیا انتقال دادند. اولین بار که شما وارد این بارک می شوید ناخود آگاه بیاد طویله می افتید که تعدادی انسان بنام زندانی در حال نگهداری هستند و باور کنید که این افراق نیست حتی طویله بهتر از بندهای زندان سترال جیل است طول بارک ۴ متر و عرض آن ۱۰ متر که تعداد ۲۰۰ زندانی آنجا بسر می برند که اکثریت آنها افریقایی و همچنین عرب هستند که برای خرید مواد مخدر وارد پاکستان شده اند و در بازداشت بسر می برند و می توان گفت ۹۸٪ زندانیهای داخل بارک هروئینی هستند و در این میان به صراحت عنوان کنم فقط ایرانیها با کیس ورود فیر مجاز و پاسپورت جعل و تمام شدن ویزا (اورستیت) بسر می برند اول از جای خواب، جا برای خواب و نشستن بسیار کم است بطوریکه بعضی شما بعلت ازدحام زندانیها تا صبح بحالت نشسته می خوابند و زیر انداز به اندازه کافی نیست همچنین ظرف غذا و وسایل ضروری دیگر از قبیل صابون پودر رختشویی سیگار و وسایل دیگر به زندانی نمی دهند و باید خودتان یا از بیرون توسط ملاقاتیها و یا از داخل زندان از زندانیها قرض کنید و باور کنید که زندانی که در داخل زندان است اگر ملاقاتی نداشته باشد بعد از مدتی تلف می شود اما در مورد غذا صبح آبی برنگ خاکستری با نصف یک قرص نان تمام می شود ظهر و شب به طور مداوم هر روز نان و دال است آب و فلفل بسیار زیاد معجون اصلی این غذا است همراه با نخود که خودش زندانیها را به انواع بیماریهای پوستی دچار می کند همچنین آب در داخل زندان بسیار کم است حتی بارها شده که بر سر آب زندانیها بجان هم افتاده اند و با سر و کله خونین از هم جدا شدند در داخل نیوجیل دو لوله آب وجود دارد. یکی مربوط به پاکستانیها و یکی هم مربوط به خارجیاها صبح دو ساعت و شب یک ساعت از ایمن لوله ها آب می آید و این سه ساعت

چیزی حدود ۱۵۰۰ نفر زندانی را باید از لحاظ آب تامین کند حالا شما خودتان حساب کنید که سر آب گرفتن چه شوفا و الم شنگه ای برپا می شود بارها شده که زندانیها تنگنای آب را هنگام مصابیت بر سر مهدیگر خرد کردند مسئله بعدی دستشوییها است، دستشوییها در واقع حفره هایی است با فاصله که در زمین کنده اند که نامش را گذاشتند مستراح که من خودم اولین بار وقتی به دستشویی رفتم به استغراق افتادم و حالم بهم خورد.

و اما حمام برای ما ایرانیها که جمع ما زیاد بود حمام رفتن بسیار مشکل بود چون تعداد ۳ دبه داشتیم که هفته ای یک بار هم نوبت هر کدام ما نمی شد ۴ دبه که ۲ نفری توانستند به حمام بروند آنهم موقعی که موفق به گرفتن آب شوند و دبه سو می را برای دستشویی استفاده می کردیم و جمع ما ایرانیها ۳۶ نفر بود با ۴ دبه آب برای حمام تازه شما بعد از یک هفته و نیم بی حمامی آنهم تو آن محیط کثیف زندان با یک دبه که ۲۱ لیتر آب در آن جای می گیرد موفق به حمام رفتن می شوید و این هم در مورد حمام و بعد مسئله بعدی فساد اخلاقی و رشوه خواری مسئولین زندان و همچنین

کادرهای پایین
بیمارستان دادگاه

در بیمارستان داخل زندان به هیچ وجه جا برای زندانیهای بی پول نیست مریض برای خوابیدن در بیمارستان حتما برای یک هفته باید مبلغ ۵۰۰ روپیه به طور مطلق بصرورت رشوه به رئیس بیمارستان بپردازد و وقتی وارد بیمارستان می شوید با کمال تعجب به قیافه مریضا خیره می شوید چون هیچکدام اینها مریض نیستند و اغلب شان زندانیهای قاچاقچی پولدار هستند که برای فرار از کار اجباری و همچنین از کمبود مواد غذایی داخل زندان با پولهای گزاف بیمارستان را می خردند البته همه اینها به اصطلاح مخفیانه صورت می گیرد. حالا شما پیش خودتان فکر کنید که حال آن زندانی بیچاره ای که وضعیت مالی اش خوب نیست و در حال مرگ است بخاطر اینکه تخت بیمارستان اشغال و آهی در بساط ندارد باید در بارک (بند) بحالت افما بیفتد تا در اولین فرصت جناب هزرائیل به سرازش بیاید تا از این زندگی سراپا دلت و خواری راحت شود.

از مشکلات فیلم سازان ایرانی

کرامتبار جمهوری اسلامی درباره زن و مشکلات فیلم سازان در این زمینه بازتاب یافته است بخشی از این مصاحبه را در زیر می خوانید:

در شماره ۲۵ مجله "آدینه" مصاحبه‌ای با کارگردان ایرانی بهرام بیضایی درباره آخرین فیلمش "شاید وقتی دیگر" به چاپ رسیده است. که در آن جلوه‌ای از دیدگاه ارتجاعی و

این است که هر جذابیتی به جذابیت جنسی تعبیر می‌شود. هنرپیشه خوب آن است که روی پرده دیده شود نه اینکه نادیده گرفته شود...

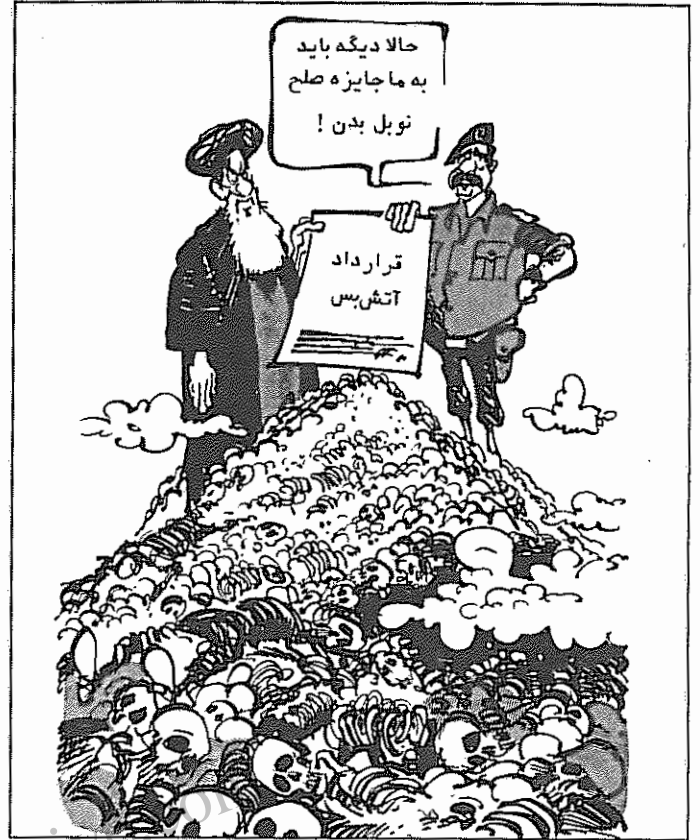
این فاصله باعث از دست رفتن فعل سرما شد. استفاده از پوشش سنگین و نظاهر به سرد بودن هوا که هنرپیشه را خسته می‌کرد و طبعاً در بازی او تاثیر می‌گذاشت. خانم تسلیبی هم بر اثر تجربیات قبلی مخصوصاً در فیلم مادیان دچار خود سانسوری می‌شد و فشار من برای خوب بازی گرفتن از او هم او را فرسوده کرد هم مرا و حتی بهترین نتیجه ممکن هم به دست نیامد. گناه اتفاق می‌افتاد که یکی از کارکنان صحنه به هنگام تمرین مسئله حجاب و نوع مقبولش را از روی حسن نیت تذکر می‌داد و تمام حس هنرپیشه بر هم می‌خورد. اما با همه این مشکلات ترجیح دادم از ترفندهای معمول استفاده نکنم...

لحظه‌ای از تاریخ که بهایی برای گفتن داستان انتخاب می‌کند از تاریخی که داستان در آن اتفاق می‌افتد اهمیت بیشتری دارد. او دربره‌های که اغلب فیلم سازان برای گریز از محدودیتها شخصیتهای زن را یا از داستانهایشان حذف می‌کنند یا نقش او را به حداقل می‌رسانند و با او را آواره خیابانها می‌کنند تا پوشش و حجابش را توجیه کنند چنان درگیر مسئله است...

بی شک این یکی از اساسی ترین دلشورایی های فیلم ساز در نیم قرن گذشته بوده و روبروشن با محدودیتها را بر او حمل کرده است.

راه حل های مختلفی به نظرم رسیده بود اما من راه روبرو شدن مستقیم با مسئله را انتخاب کردم. طرح حجاب به شکل حاضر مثل محدودیتهایی است که کسود پوزنیو و نفس فنی لایبراتور ایجاد می‌کند و چنان ذهن فیلم ساز را به خود مشغول می‌کند و درگیر پیدا کردن راه حل برای آنها می‌شود که کمتر نیرو و توجهی برای مسئله اصلی که فیلم سازی است باقی می‌ماند. ما فعل را سرد انتخاب کردیم تا پوششها توجه شود اما وقتی کار را شروع کردیم با بازی خانم تسلیبی مخالفت شه چون می‌گفتند جذاب است. یکی از مشکلات

آدینه شماره ۲۵



کاریکاتور از روزنامه آلمانی "بادیشه تسایتونگ"

سخن روز

"اگر پذیرش قطعنامه به معنای نقطه ضعف و شکست در جنگ است، صدام این جنگ را موسوی اردبیلی در نماز جمعه ۱۴ مرداد



ارتش آمریکا

۴۳ سال بعد...

شد. در یک روایت کهن ژاپنی آمده است که هر کس ۱۰۰۰ لک لک کافذی کوچک بسازد، یک آرزوی او برآورده خواهد شد. ساداکو، به امید بازیافتن سلامت خود، شروع به درست کردن لک لک ها کرد. او وقتی ۶۴۵ لک لک درست کرده بود، درگذشت...

هفته گذشته، جهانیان مراسم چهل و سومین سالگرد فاجعه هیروشیما و ناگازاکی را برگزار کردند. ۴۳ سال پس از این فاجعه، هنوز انسانهایی از عواقب آن می میرند. ساداکو ساساکی، دختر بچه‌ای بود که بر اثر فاجعه اتمی در ۱۲ سالگی به سرطان خون دچار

سلاخی کودکان برای سلامت ثروتمندان آمریکایی

درمان ثروتمندان مبتلا به بیماری کلیه، چشم، قلب و... کودکان خریداری شده را سلاخی می‌کردند تا اعضای بدن آنها به بیماران ثروتمند که دهها و صدها هزار دلار بدین منظور پرداخت می‌کردند، پیوند زده شود.

این ماجرا برای نخستین بار توسط یک بازپرس اهل پاراگوئه عنوان شد. سفارت آمریکا در پاراگوئه از هر گونه اظهار نظر خودداری کرده است.

اخیرا پرده از یک جنایت هولناک یک باند آمریکایی برداشته شد. این باند کودکان متعلق به خانواده‌های فقیر را در کشورهای آمریکای لاتین تحت این عنوان که ثروتمندان آمریکایی می‌خواهند آنها را به فرزند بی‌بگیرند، از والدینشان خریداری می‌کرد و به آمریکا می‌برد. در آمریکا این کودکان در اختیار آزمایشگاههای پزشکی قرار می‌گرفتند تا روی آنها تاثیر داروهای شیمیایی آزمایش شود، و یا در بیمارستانها برای

دستگاهها، هواپیمای ایرانی را درست نشان دادند، اما ما ندیدیم. کاریکاتور از روزنامه "تاگس تسایتونگ" چاپ برلن غربی

”کوه پاسا“ ارگان حزب کمونیست آرژانتین گزارش سفر چند ماه پیش هیات نمایندگی این حزب را به چین و نیز مصاحبه‌ای را با اعضای هیات به چاپ رسانده است. این مصاحبه و مقدمه آن را در زیر می‌آوریم:

با دیدارهای هیات نمایندگی حزب کمونیست آرژانتین به ریاست آتوس ماوا و نمایندگان عالی‌رتبه حزب کمونیست چین، مناسبات دو حزب پس از وقفه‌ای ۲۷ ساله، از سر گرفته شد. در این دیدارها، تحولات امیدبخش جاری در یکی از بزرگترین کشورهای سوسیالیستی و نیز گرایش به نزدیکی مجدد آن به جنبش جهانی کمونیستی بازتاب یافت.

بدون تردید مصوبات کنگره سیزدهم حزب کمونیست چین، تاثیر مثبتی بر این روند گذاشته است. این مصوبات، ثمره بازنگری انتقادی حزب به مواضع و اهداف اقتصادی و سیاست خارجی خود است. مواضع جدید، در گذشته از دیدگاه دکماتیسم فرسوده، رویزیونیستی قلمداد می‌شدند. مصوبات کنگره ۱۳ همچنین ثمره فائق آمدن پیگیرانه بر عواقب فلج‌کننده و آشوب‌آفرین ”انقلاب فرهنگی“ است.

اهمیت این روندها در مناسبات با اتحاد شوروی نیز نمایان است. در این رابطه تحولات همیتی نه تنها در موضع چین، بلکه همچنین در سبک جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی در مناسباتش با سایر احزاب دیده می‌شود. در جنبش کمونیستی نسیم دگرگونی می‌وزد. این همه، امیدبخش است و نوید پایان دادن به گسسته‌ی را می‌دهد که در دهه ۶۰ عازق شده و به جنبش انقلابی لطمه زیادی وارد آورد.

با همین سؤال، گفتگو با آتوس فاوا، فانی ادلمان و آنگل نگری، اعضای هیات نمایندگی حزب کمونیست آرژانتین که به دعوت حزب کمونیست چین از ۱۵ تا ۲۷ مارس ۱۹۸۸ در این کشور ره‌سر بردند، آغاز شد.

همه ما انقلابیون در انتظار این نزدیکی مجدد بوده‌ایم. سخن بر سر مناسبات با یکی از بزرگترین کشورهای سوسیالیستی است که بیش از یک میلیارد نفر جمعیت و مساحتی برابر ۹/۵ میلیون کیلومتر مربع دارد، با کشوری که در استراتژی مبارزه جهانی علیه امپریالیسم دارای اهمیتی کلیدی است. با پیشرفت این روند، با

تحکیم یکپارچگی جهان سوسیالیسم (و در وهله اول اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین، تناسب توا گام به گام به سود نیروهای تغییر خواهد کرد که برای سوسیالیسم، راهی ملی و صلح‌مبارزه می‌کنند.

س: به نظر می‌رسد چنین فضایی در دیدارها با هیات‌های سایر احزاب کمونیست در پکن و نیز پایتخت‌های دیگر نیز حاکم بوده است؟

ج: واقعیت این است که همه این دیدارها حاکی از نزدیکی میان احزاب پس از سالها جدایی و

آن را نیز می‌بینند. در همین حال ما واقعیت‌ها که امروز نیز اختلاف نظرهای آشکاری وجود دارد. در مواضع چین تغییرات مهمی دیده می‌شود، آنها از تز اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ به حمایت از مذاکرات خلع سلاح رسیده‌اند، اما هنوز اختلافاتی در نوع برخوردها و ارزیابی‌ها وجود دارد. یک نمونه، برخورد به ویتنام و کامبوج و نیز به آمریکای مرکزی است. در مورد دوم هلبرفم قرارداد همکاری با نیکاراگوئه، چین کماکان تز رویارویی ”دو ابر قدرت“ در این منطقه را حفظ

درباره تحولات در چین

اظهارات اعضای هیات نمایندگی حزب کمونیست آرژانتین در بازگشت از چین

تکنولوژیک، نازل است. ۲۵ درصد جمعیت بی‌سواد یا کم سوادند. میزان اجتماعی شدن تولید و رشد مناسبات کالا - پول، اندک است. چنین اوضاعی جستجوی راهمایی را طلب می‌کند که با جهت‌گیری‌های اراده‌گرایانه نظیر ”جهش بزرگ“ متفاوت باشد. این همه نه به معنای کم‌بها دادن به دستاوردهای بزرگ سوسیالیسم است، بلکه برعکس، امکان شناخت توان بالقوه آن را فراهم می‌آورد. در مدت کوتاهی، تولید ناخالص سرانه دو برابر شده، درآمد کارگران و دهقانان افزایش یافته و مشکل کمبود مواد غذایی برطرف شده است.

س: اصلاح مشی سیاسی در چه جهت انجام می‌گیرد؟

ج: جهت اصلی، آنگونه که از اسناد کنگره برمی‌آید، جدایی روشن مسئولیت‌های حزب و ارگانهای دولتی، هدم تمرکز و تقلیل دستگاه اداری، فعال کردن سیاست حزب در مورد کادرها گسترش دموکراسی سوسیالیستی، تقویت قانونیت، حمایت از ابتکار توده‌ها و ایجاد یک مکانیزم موثر گفتگو و مشاوره با مردم است.

س: شما تا چه حد توانستید در جریان دیدار خود، به هیئت شامد تحولات باشید؟

ج: به نظر من ما تنها توانستیم از دریچه کوچکی بنگریم، زیرا چین کشور بسیار بزرگی است و در ۱۲ روز تنها می‌توان با بخش کوچکی از آن آشنا شد. ما در جریان دیدار، گفتوگوهایی با هوکویلی، عضو کمیته دائمی دفتر سیاسی

کرده است. اما در این رابطه نیز نشانه‌های تغییرات مثبت و سازنده وجود دارد.

س: آیا در ست است که در محکوم کردن ”انقلاب فرهنگی“ و دکماتیسم حاکم در گذشته زوال جدایی حزب کمونیست چین از جنبش کمونیستی را ببینیم؟

ج: به نظر من آری. زائوزیانک دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در کنگره ۱۳ از دو جهش تاریخی در رشد روند انقلابی در چین سخن گفت. جهش نخست، تصرف قدرت، و جهش دوم، محکومیت بیوه ماو و ”باند چهارنفره“ معروف در سال ۱۹۷۸ از سوی کمیته مرکزی بود. با این گام بازنگری عمیق به تحولات ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۸، یعنی دوره ”جهش بزرگ“، ”کمونهای خلقی“ و ”انقلاب فرهنگی“، زمانی که ارتش کنترل قدرت دولتی را به دست گرفت و سازمانهای سیاسی و توده‌ای را بی‌نفع کرد، و زمانی که یک ساختار نظامی - بوروکراتیک مدیریت شکل گرفت، آغاز شد. امروز، این دوره به عنوان انحراف به چپ ارزیابی می‌شود و ”انقلاب فرهنگی“ را ”کمونیسم پادگانی“ می‌دانند. بدیهی است که این ارزیابی‌ها بر مواضع همومی رفقای چینی نیز تاثیر گذاشته است.

س: کنگره ۱۳ ارزیابی‌های مهمی درباره این مسائل ارائه داد...

ج: آری دوره کنونی به عنوان ”مرحله اول سوسیالیسم“

مناقشه است. در همین حال این تماسها تاثیر خود را بر این روند می‌گذارد. در حال حاضر حزب کمونیست چین با ۲۵۰ حزب و جنبش انقلابی رابطه دارد. به نظر ما این امر به وحدت نیروهای چپ، امر راهی ملی، شکل‌گیری پیشاهنگ انقلابی و مبارزه مشترک در راه سوسیالیسم یاری می‌رساند.

س: تبادل نظر در باره این موضوع در جریان دیدار چگونه پیش رفت؟

ج: ما پیگیرانه به اهمیت هم‌اهنگ احزاب کمونیست و نیروهای انقلابی در مبارزه با امپریالیسم اشاره کردیم و در همین حال بر نقش ویژه نزدیکی میان اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین، هم در رابطه با مبارزه ایدئولوژیک و هم در نمایاندن چهره سوسیالیسم در جهان امروز، تاکید ورزیدیم.

دشمنان ما بارها از اختلافات میان انقلابات پیروزمند مختلف، علیه ما سوءاستفاده کرده‌اند. در جریان قلبه بر این تضادها، وحدت رزمجویانه ما تحکیم می‌شود و بر اعتبار نیروهای افزوده می‌شود که نه تنها اهداف روشنی فرا راه خود قرار می‌دهند، بلکه همچنین برادرانه در راه تحقق این اهداف مبارزه می‌کنند. ما گفتیم که این نظر ما با بسیاری از احزاب دیگر آمریکای لاتین مشترک است. طرفهای گفتگوی ما اطمینان دادند که آنها نیز در این جهت عمل می‌کنند و از اصلاحاتی که در زمان کار با چف آغاز شده‌اند، انتظار موفقیت دارند، هر چند موانع راه

اعلام آتش بس در آنگولا

سختگوی وزارت خارجه شوروی در روز سه شنبه ۹ اوت ضمن اعلام پشتیبانی کشورش از توافق حاصله در مورد جنوب آفریقا اظهار داشت اتحاد شوروی امیدوار است بحران در این منطقه از طریق مسالمت آمیز حل شود. آتش بس در آنگولا در ساعت ۱۷ روز دوشنبه آغاز شد. تاکنون خبری از موارد احتمالی نقض آن نرسیده است. قرار است در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۸، این آتش بس به آتش بس دائمی بر پایه قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت تبدیل شود.

اعلام کرد از تاریخ اول سپتامبر ۱۹۸۸ کلیه عملیات نظامی علیه نیروهای آفریقای جنوبی در نامیبیا را متوقف خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری رسمی سوآپو، این اقدام برای کمک به روند صلح در جنوب آفریقا صورت می گیرد. سوآپو اعلام کرده است انتظار دارد آفریقای جنوبی نیز آتش بس را رعایت کند. اما باند ضد انقلابی اونیتا در لیسبون پایتخت پرتغال اعلام کرد عملیات خود را علیه دولت آنگولا ادامه خواهد داد.



یک روزمنده سوآپو و کودکان نامیبیایی

بقیه از صفحه آخر

پیش بینی کرده اند که طبق آنچه در بیانیه مشترک آمده است، نتایج آن در همین روزها آشکار خواهد شد. مذاکرات چهار جانبه برای حل مسائل جنوب آفریقا در سوم ماه مه ۱۹۸۸ آغاز شد. در ۳ ژوئیه، چهار طرف یک بیانیه ۱۴ ماده ای شامل اصول حاکم بر راه حل سیاسی، انتشار دادند. در این بیانیه بر عدم مداخله، چشم پوشی از اعمال قهر و احترام به حاکمیت کشورهای ذی نفع تاکید شده است. قرار است از روز ۲۲ اوت در محلی که بعدا معین خواهد شد، دور بعدی مذاکرات آغاز شود. در توافق هفته گذشته، به آینده روابط باند ضد انقلابی اونیتا و رژیم آپارتاید اشاره ای نشده است. اما ناظران پیش بینی کرده اند که عدم حضور نیروهای آفریقای جنوبی در خاک آنگولا و تخلیه نامیبیا، که میان آفریقای جنوبی و آنگولا واقع شده است، به سه سمت موجبات زوال اونیتا را فراهم خواهد آورد. بدنبال اعلام توافق آنگولا، کوآپا، آفریقای جنوبی و آمریکا، سازمان خلق آفریقای جنوب فربس، سوآپو، که به عنوان تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا شناخته شده است،

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، زولیانگ، مسئول شعبه روابط بین الملل کمیته مرکزی و بسیاری دیگر از رفقا داشتیم. ما توانستیم اهمیت سیاسی دعوت از حزب ما را به درستی دریابیم. ما ابراز تمایل کردیم که با زندگی مردم هادی آشنا شویم، و گمان می کنم میزبانان تلاش کردند خواهش ما را برآورده کنند. درها همه جا باز بود: در پکن، زونگ شانگ و تیان بین ما از کارخانه ها، روستاها و مراکز تولید و فرهنگ دیدن کردیم. در مدیریت اقتصادی، آزمایشگاهی، از جمله در زمینه همکاری با سرمایه خارجی، انجام میگیرد. اما هنوز زود است در این باره قضاوتی بیان داریم. ما شاهد مشارکت گسترده جوانان در امور حساس و همکاری یکپارچه آنها با پیشگسوتان بودیم. ما به تمجید بیعوده از کادرها برخورداریم، بلکه برعکس در همه جا ارزیابی های واقع بینانه حاکم بود. اطلاعاتی که در اختیار ما قرار گرفت، حاکی از ارزیابی هشیارانه موقعیت است. با اینکه چینی ها از ضرورت قلبه بر فقر و عقب ماندگی سخن می گویند، ما در هیچ جانشان از مستمندی ندیدیم، پدیده ای که در کشور ما پدیده رایج است.

س: رفیق فاوا، وقتی این دیدارتان از چین را دیدار هیات حزب کمونیست آرژانتین از چین در سال ۱۹۶۰ مقایسه می کنید، چه مشاهداتی را قابل تاکید می دانید؟

ج: آنچه در مقایسه با پنج ماهی که در آن زمان در چین گذراندیم و با تجارب انقلاب چین آشنا شدیم، این بار به نظر رسید، فضای روابط انسانی است. در آن زمان، تشنج، سوآپن و عدم اعتماد محسوس بود. امروز که دو حزب ما در جریان روند بازنگری انتقادی به مواضع گذشته خود به سر می برند، من خود را در میان رفقا احساس می کردم. گفتگوی ما، آزادانه و صریح بود. هلیرفم پیچیدگی و تناقض روندهای امروز، چشم اندازها امیدبخش می نمایند. ما روی برنامه ای برای مبادلات آینده توافق کردیم که از جمله شامل دعوت از یک هیات نمایندگی رسمی حزب کمونیست چین برای یک دیدار متقابل، گسترش تماسهای مختلف در تحقیقات علمی و در سایر عرصه ها و نیز احیای مناسبات سازمانهای جوانان ما خواهد بود.

ستمی که بر مامی رود

بقیه از صفحه ۲

دین و مذهب ندار دواز آن آدم های خلاف روزگار است. لجه اش کاملا لاتی است. مدتی است که عضو گشت کمیته شده و از مردم آزاری ها و کتک زدن هایش تعریف می کند از اینکه با اسلحه در خیابان راه می رود و قدرت زیادی دارد خیلی کیف می کند. از وقتی وارد کمیته شده، همه بچه های محل طردش کرده اند و به او اعتماد ندارند.

قطعا این نمونه هایی که آوردم، تصویر کاملی از تیپ های مختلف جوانان محل ما نیست، اما خلاصه مشتکی نمونه خروار است. همیشه وقتی پای درد و دل بچه ها می نشینم به این فکر می کنم که آیا نمی شد که نیروی این همه جوان به جای هائل و باطل ماندن به کار مثبتی گرفته شود؟ آیا ممکن نیست که دستهای پر زور و قلب های پر شور این بچه ها برای آسود کردن این همه ویرانی استفاده شود؟

نمی دیدم در جیبه فاو کشته شده است. جسدش را که آوردند همه بچه ها متاثر بودند. تا ماهها پس از این ماجرا هیچکس از مدرسه ما به جیبه نرفت، همه از انجمنی ها بیزار شده بودند و چند مورد هم با آنها گرد و خاک کردند اما بالاخره با تهدید دفتر هنرستان و اخراج چند نفر از بچه ها، اوضاع آرام شد. مسعود ۴ سال پیش درس رارها کرده است. جوان بسیار ضعیف و لاغری است و به زحمت آب دهان و بینی اش را جمع می کند. به دلیل همین شلی، بچه ها مسعود نشئه صدایش می کنند. این اواخر عضو کمیته شده است. می گوید هم خدمت سربازی حساب می شود و هم حقوق می گیرد. به قول خودش نمی داند که سیاست را با کدام (س) می نویسند. تنها هشتش این که می تواند روزهای پنجشنبه و جمعه به خیابان ولی عصر برود و به قول خودش فو فول های انجا را ادب کند. کوچکترین اعتقادی به

آرام آرام با دیدن کرد و کارهای برادر و درگیری با پدر همه چیز را کنار گذاشته. از این به بعد خانه را برایش جهنم کردند. در دبیرستان هم، ناظم مدرسه با او درگیر شده و سرانجام اخراجش کرد. منوچهر شانس آورد که نزدیک یکی از اقوامش تعمیر و سایل برقی را یاد گرفت و به دلیل خصوصیت کارش توانسته است از سربازی هم فرار کند.

همکلاسی ام محمد پسر خوش قلب و مهربانی بود. در آغاز عضو بسیج محله بود ولی با دیدن اوضاع آنجا از بسیج بیرون آمد، اگر چه اعتقاداتش را داشت. در آخرین اعلام اعزام به جیبه داوطلب شد. ما خیلی با او جرو بحث کردیم که منصرفش کنیم ولی می گفت که نمی تواند درس بخواند و بعد از بازگشت، امکانات برای رزمندگان زیاد است. اما محمد دیگر بازنگشت. تا چندماه اول هیچ خبری از او نبود تا سرانجام که

آغاز خروج نیروهای شوروی از کابل

نیمی از نیروهای شوروی افغانستان را ترک کرده اند

در هفته گذشته ۱۰۰۰ نفر از نیروهای شوروی مستقر در کابل، پایتخت افغانستان را ترک کردند و به کشور خود بازگشتند. نخستین گروه از این نیروها شامل ۵۰۰ نفر و ۱۰۰ خودرو در روز دوشنبه گذشته از کابل خارج شدند. به گزارش نشریه "ستاره سرخ" ارگان ارتش شوروی، با خروج واحدهای هلیکوپتردار، موتوریزه، توپخانه و کماندویی شوروی از شهر قندهار، دیگر در جنوب افغانستان نیروهای شوروی حضور ندارند. ژنرال باریس گرامف فرمانده نیروهای شوروی در افغانستان در مصاحبه با روزنامه پراودا اعلام کرد خروج نیروهای شوروی کاملاً و دقیقاً مطابق توافق‌های ژنو انجام می‌گیرد. تاکنون هلیفرم ادامه جنگ اعلان نشده پاکستان علیه افغانستان، نیمی از ۱۱۵ هزار نفر نیروهای شوروی که تا اواسط ماه مه ۱۹۸۸ در افغانستان حضور داشتند، این کشور را ترک کرده اند.

هفته گذشته دیدار ادوارد شوارد نادره وزیر خارجه شوروی از کابل پایان یافته در جریان ملاقات نجیب‌الله رئیس‌جمهور افغانستان و شوارد نادره، جریان تحقق توافق‌های ژنو مورد بررسی قرار گرفت. دو طرف به موارد جدی نقض سیستماتیک این توافق‌ها از سوی پاکستان اشاره کردند و گفتند "تروریسم بین‌المللی علیه جمهوری افغانستان" عملاً ادامه دارد. در بیانیه مشترکی که پس از پایان دیدار شوارد نادره از کابل انتشار یافت، اعلام شد دو کشور اتحاد شوروی و افغانستان در صورت ادامه دخالت پاکستان در امور افغانستان، تصمیمات لازم را اتخاذ خواهند کرد. شوارد نادره در کابل اظهار داشت کشورش به افغانستان در جلوگیری از نقض قراردادهای ژنو توسط پاکستان کمک خواهد کرد. وی افزود پاکستان با حمایت از ضدانقلابیون افغانی و تحویل کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به آنها، مرتکب تروریسم بین‌المللی می‌شود.

در هفته گذشته جنایات ضدانقلابیون افغانی ادامه یافت. شهر جلال‌آباد مورد حمله موشکی اشرار قرار گرفت که در جریان آن

۹ تن، از جمله ۷ کودک کشته شدند. همچنین در روز چهارشنبه یک موشک به کابل اصابت کرد و یک نفر را به قتل رساند. به گزارش مطبوعات شوروی، ضدانقلابیون افغانی به‌ویژه در استان قندهار پس از خروج نیروهای شوروی اقدامات تروریستی و خرابکارانه خود را تشدید کرده‌اند. طبق آمار ارائه شده از سوی مقامات افغانی، در این استان ۳۸۹ گروه مسلح با ۱۷ هزار عضو فعالیت می‌کنند. از این تعداد، هم‌اکنون ۲۰۰ گروه با ۱۱ هزار عضو در عملیات ضد دولتی شرکت دارند. پراودا می‌نویسد گروه‌های ضدانقلابی در قندهار از رهبران خود در پیشاور پاکستان دستور گرفته‌اند به عملیات خود شدت بخشند تا بتوانند قندهار را تصرف کنند. افراطیون ضدانقلابی به رهبری گلبدین حکمت‌یار اعلام کرده‌اند می‌خواهند با تصرف قندهار، یک "دولت موقت" تشکیل دهند و افغانستان را عملاً تجزیه کنند.

به نوشته پراودا، هلیفرم توافق‌های ژنو، هم‌اکنون ۲۰ مستشار نظامی از آمریکا، چین، آلمان فدرال، پاکستان، ایران و عربستان سعودی در منطقه قندهار با ضدانقلابیون همکاری می‌کنند. پیش از ۳۰۰ تروریست در روزهای اخیر از پاکستان به منطقه قندهار نفوذ کرده‌اند.

روزنامه "ستاره سرخ" ارگان ارتش شوروی گزارش‌های منابع غربی مبنی بر تصرف قندهار توسط ضدانقلابیون را تکذیب کرد. این روزنامه در گزارش خود از قندهار می‌نویسد در این شهر هادی شدن اوضاع مشهود است. خیابانها مملو از جمعیتند، وسایل نقلیه عمومی حرکت می‌کنند و کسب و کار رونق دارد. در همین حال این روزنامه می‌افزاید هنوز نمی‌توان گفت آرامش و صلح به قندهار بازگشته است.

مطبوعات شوروی می‌نویسد ضدانقلابیون افغانی به تبلیغات خود در صفوف ارتش افغانستان دامن زده‌اند. این گزارشها می‌افزاید بخشی از روحانیت افغانستان کماکان با سیاست آشتی ملی دولت مخالفت می‌ورزد.

حوادث خونین در برمه

اصلاحاتی نیز انجام دهد این اصلاحات، که مورد تصویب پارلمان نیز قرار گرفتند، از جمله عبارتند از تشکیل موسسات اقتصادی مختلط و افزایش استفاده از سرمایه خارجی و افزایش کمک به بخش خصوصی به ویژه در کشاورزی و جنگلداری، به امید بهبود وضع توزیع و افزایش صادرات.

کشور ۴۰ میلیونی برمه در برابر دشواریهای جدی اقتصادی قرار دارد. قروض خارجی برمه به شدت افزایش یافته است. نرخ تورم به سرعت بالا می‌رود. از درآمدهای عمده از صادرات به شدت کاسته شده است. تولید نفت برمه رو به کاهش است. بخش بزرگی از داد و ستد داخلی از طریق بازار سیاه و به قیمت‌هایی صورت می‌گیرد که برای محروم‌ترین اقشار مردم دست‌نیافتنی است.

برمه با درآمد سرانه‌ای معادل ۱۸۰ دلار، از فقیرترین کشورهای جهان است. این کشور برای بازپرداخت ۳/۷ میلیارد دلار قروض خارجی خود، ناچار است ۸۰ درصد درآمد ارزی خود را به این امر اختصاص دهد. در نتیجه، سرمایه‌گذاری برای بهره‌برداری از منابع نفتی، فلز، سنگ‌های قیمتی، گاز و نفت ناممکن شده است. گسترش زیرساخت عقب‌مانده اقتصاد، راکد مانده است.

برمه یک کشور کثیرالمله است و نیمی از جمعیت آن، برمه‌ای نیست. از هنگام تشکیل دولت برمه در چهل سال پیش تاکنون، بطور پیوسته درگیری مسلحانه میان حکومت و نیروهای مختلف، به‌ویژه در مناطق کوهستانی و مرزی، وجود داشته است. مخالفان حکومت، که از حمایت خلقها و اقلیت‌های ملی ساکن این مناطق برخوردارند، خواهان خودمختاری و برابری اجتماعی‌اند. ناظران برآورد می‌کنند که در برابر ۱۹۰ هزار سرباز دولتی، ۵۰ هزار مسلح وابسته به گروه‌های مخالف وجود دارند. این موقعیت بر بی‌ثباتی اوضاع می‌افزاید.

علاوه بر این، مناطق شمال برمه از مراکز کشت خشخاش است. تنش‌های ناشی از این امر نیز نقش خود را در وخیم‌تر کردن شرایط ایفا می‌کند.

بقیه از صفحه آخر مردم، ۴۰ نفر توسط پلیس و ارتش به قتل رسیدند.

آنچه بیش از هر چیز خشم اهالی رانگون و به‌ویژه دانشجویان را برانگیخت، برگزینی اوسین لویین به سمت رئیس‌جمهور و رهبر جدید حزب حاکم بود. لویین در میان مردم به عنوان مسئول سرکوب تظاهرات ظرف چند ماه گذشته شناخته شده است. بنابه گزارش‌هایی، تا پیش از انتخاب لویین به ریاست جمهوری، در جریان این تظاهرات ۲۰۰ تن به قتل رسیده بودند.

آغاز اعتراضات کنونی به یک سال پیش باز می‌گردد. در آن هنگام، وضع توزیع مواد غذایی در برمه، که به عنوان "کاسه برنج آسیا" شناخته شده است، رو به وخامت نهاد. برمه که زمانی به مقدار زیاد برنج صادر می‌کرد، برای نخستین بار ناچار به وارد کردن برنج شد. ناظران، علت این امر را پایین بودن بهای خرید برنج از سوی دولت، و در نتیجه خودداری دهقانان از تولید برنج بیش از حد نیاز خود و یا عدم فروش مازاد برنج به دولت می‌دانند. کمبود برنج، قیمت‌ها را در بازار سیاه به سرعت بالا برد. در فاصله ژانویه تا ژوئیه ۱۹۸۸، بهای برنج ۴۰۰ درصد بالا رفت. اصلاح نظام پولی برمه برای چندمین بار، محرومیت بیشتری برای بسیاری از مردم به بار آورد و بر وخامت اوضاع افزود. دولت، یک شبه اعلام کرد که چند نوع اسکناس دیگر فاقد ارزش است و حتی قابل معاوضه با اسکناس‌های جدید هم نیست!

افزایش محرومیت مردم در کنار رونق فساد و اختلاس و رشوه‌خواری در میان کارکنان عالی‌رتبه دولت، زمینه مساعدی برای اعتراضات فراهم آورد.

در اواخر ژوئیه، اونه‌وین که ۴۶ سال در راس حزب حاکم و تنها حزب برمه بنام "حزب برنام" سوسیالیستی قرار داشت، از سمت خود استعفا داد. جای وی را اوسین لویین، از نزدیکترین مشاوران رهبر مستعفی گرفت. لویین مسئولیت سازمان امنیت برمه را برعهده داشته است. کنگره فوق‌العاده حزب حاکم علاوه بر انتخاب لویین، تصمیم گرفت برای بهبود وضع اقتصادی،

صهیونیست‌ها تهدید به استفاده از "مشت آهنین" می‌کنند

اسحاق شامیر نخست‌وزیر اسرائیل در جلسه فوق‌العاده پارلمان این کشور به مناسبت اعلام جدایی کرانه غربی رود اردن، مردم کرانه غربی اشغالی رود اردن را از تشکیل یک دولت فلسطینی بر حذر داشت، وی گفت دولت اسرائیل علیه چنین اقدامی با "مشت آهنین" عمل خواهد کرد.

شامیر با بی‌شرمی اشغال کرانه غربی رود اردن در سال ۱۹۶۷ را "آزادسازی" نامید و مدعی شد تنها اسرائیل قادر است "نظم و قانون" را در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه برقرار کند. شامیر نیروهای خواهان صلح در درون اسرائیل را به باد حمله گرفت و گفت دولتش همچنان با حربه سرکوب به مقابله با قیام فلسطینی‌ها خواهد پرداخت.

رهبری مخفی قیام مردم مناطق اشغالی پیشنهاد کرد با استفاده از موقعیت ایجاد شده پس از اعلام انصراف اردن از حاکمیت بر کرانه غربی، در این منطقه یک دولت موقت تشکیل

شود. بدنبال انتشار این خبر، صهیونیست‌ها فیصل حسینی رئیس "موسسه تحقیقات عربی" در بیت‌المقدس شرقی را به اتهام تهیه طرح دولت موقت عربی در کرانه غربی، دستگیر کردند. حسینی که از شخصیت‌های سیاسی مشهور فلسطینی در مناطق اشغالی است، ظرف ۱۵ ماه گذشته دوبار بازداشت شده است.

در روز سه‌شنبه ۹ اوت، ساکنان مناطق اشغالی در آغاز نهمین ماه قیام خود علیه صهیونیست‌ها یک اعتصاب عمومی را آغاز کردند. این اعتصاب مورد استقبال همگانی قرار گرفت.

حزب کمونیست اسرائیل، تصمیم ملک حسین پادشاه اردن به قطع روابط حقوقی و اداری حکومت اردن با کرانه غربی به مثابه بخشی از این کشور را پذیرش و انهدیت نامیده و آن را یک پیروزی در مبارزه مردم فلسطین برای تشکیل دولت فلسطینی در این منطقه دانسته است.

کمونست‌های آمریکای لاتین خواهان گسترش اتحادها شدند

هفته گذشته اجلاس نمایندگان احزاب کمونیست آمریکای جنوبی در مونت‌ویدئو پایتخت اروگوئه پایان یافت. احزاب کمونیست آمریکای جنوبی در بیانیه پایانی این اجلاس خواهان تقویت همبستگی با همه نیروهای میهن پرست، دمکرات و انقلابی در این قاره که در راه رهایی و علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند، شدند.

در اجلاس مونت‌ویدئو، احزاب کمونیست آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، اکوادور، کلمبیا، پاناما، پاراگوئه، پرو، اروگوئه و ونزوئلا شرکت داشتند. نمایندگان جبهه‌های بخش ملی ساندینیست از نیکاراگوئه و جبهه‌های بخش ملی فارابوندو مارتی از السالوادور ناظرانی به اجلاس اعزام کرده بودند.

در سند پایانی اجلاس مونت‌ویدئو آمده است مبارزه زحمتکشان و خلقهای آمریکای جنوبی برای دمکراسی و پیشرفت، دستاوردهای نظری و عملی جدیدی به همراه داشته است. این سند می‌افزاید مشارکت فعال نیروهای مسیحی، روشنفکران و دانشجویان و نیز سایر نیروهای اجتماعی در مبارزه برای دمکراسی بطور اساسی افزایش یافته است. اکنون در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی، احزاب ترقی‌خواه و انقلابی در مبارزه برای آزادی و سعادت میلیون‌ها انسان، متحد کمونیست‌ها هستند. اجلاس مونت‌ویدئو تصمیم گرفت گردهمایی‌های مشابهی در سطح گسترده‌تر برگزار شود.

تظاهرات ۵۰ هزار نفری علیه دیکتاتوری پاراگوئه

آسونسیون پایتخت پاراگوئه در هفته گذشته شاهد تظاهرات ۵۰ هزار نفری مردم علیه دیکتاتوری ژنرال استروسر بود. این تظاهرات، بزرگترین اعتراض به دیکتاتوری از هنگام روی کار آمدن آن در سال ۱۹۵۴ به حساب می‌آید. مردم در تظاهرات با حمل پلاکارد و دادن شعار خواهان پایان دادن به استبداد و احیای حقوق و آزادی‌های دمکراتیک شدند.

در جریان یورش پلیس به تظاهرات، چندین نفر مجروح شدند. برگزار کنندگان تظاهرات هفته گذشته، کلیسای کاتولیک و سازمانهای سندیکایی، دانشجویی و حقوق بشر بودند.

از میان دیگر رویدادها

● بدنبال بارندگی شدید و جاری شدن سیل در سودان، خطر گرسنگی میلیون‌ها تن از مردم این کشور را تهدید می‌کند. ۸۰ درصد مناطق مسکونی خارطوم پایتخت سودان زیر آب رفته است.

● طبق آمار سازمان ملل، جمعیت آسیا به ۳ میلیارد نفر رسیده است. آسیا در سال ۲۰۲۵ ۴/۹ میلیارد نفر جمعیت خواهد داشت. در حال حاضر جمعیت جهان ۵/۱ میلیارد تن است.

ششمین روز محاکمه کوتلو و سارگین

کردند. ادامه محاکمه به ۱۷ اوت موکول شد. در روز ۱۷ اوت، نجات سارگین، دبیرکل حزب کارگر دفاعیه خود در پاسخ به کیفرخواست را آغاز خواهد کرد.

همزمان با محاکمه کوتلو و سارگین، یک دادگاه دیگر در آنکارا ۷۳۴ عضو سازمان "راه انقلابی" را محاکمه می‌کند. دادستان برای ۷۴ نفر از این عده تقاضای حکم اعدام کرده است. وکلای مدافع متهمان، در روز چهارشنبه ۱۰ اوت ترائت لایحه دفاعیه ۵۰۰ صفحه‌ای خود را آغاز کردند. در این روز متهمان به شرایط ناهادلان دادگاه اعتراض کردند. در این محاکمه عدم وجود میکروفون و بلندگو باعث شده است که هیچ یک از متهمان نتوانند جریان دادگاه را بطور کامل دنبال کنند. محاکمه اعضای "راه انقلابی" نیز با حضور ناظران خارجی انجام می‌گیرد.

چهارشنبه ۱۰ اوت، ششمین روز محاکمه حیدر کوتلو و نجات سارگین رهبران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در دادگاه رژیم آنکارا بود. کوتلو در این روز بار دیگر اعمال شکنجه از سوی پلیس در هنگام بازداشت خود را محکوم کرد.

در ششمین روز محاکمه، صورت جلسه ۴۱ صفحه‌ای بازجویی از کوتلو ترائت شد. این صورت جلسه از سوی شکنجه‌گران تا آن حد ناشیانه تنظیم شده است که از قول کوتلو، کودتای نظامی ۱۹۸۰ را "انقلاب" نوشته‌اند!

در ششمین روز محاکمه کوتلو و سارگین، ۲۰ وکیل مدافع، چند تن از بستگان متهمان، ۱۰ ناظر خارجی و تعدادی خبرنگار حضور داشتند. در این روز نیز در حدود ۲۰۰ تن با حضور در برابر ساختمان محل برگزاری محاکمه، همبستگی خود را با کوتلو و سارگین اعلام

لیگ‌چف: مناسبات بین المللی خصلت طبقاتی دارند

مسائل سیاست خارجی، به رابطه منافع عام بشری و منافع طبقاتی پرولتری اشاره کرد و اظهار داشت: "ما مناسبات بین المللی را دارای خصلت طبقاتی می‌دانیم." وی خاطر نشان کرد بر خورده‌نحال به حل مسائل عام بشری به هیچ وجه به معنای "محدود کردن" مصنوعی پیکار اجتماعی و پیکار رهایی بخش نیست. لیگ‌چف یادآوری کرد که در گزارش میخائیل گارباچف به کنفرانس اخیر حزب، بر همبستگی باز زحمتکشان سراسر جهان تاکید شده است.

لیگ‌چف در مورد نتایج کنفرانس گفت نمایندگان، با قاطعیت خطاها و جنایات گذشته را محکوم و از کاستی‌ها و محاسبات نادرست انتقاد کردند. وی افزود نمایندگان کنفرانس در همین حال قاطعانه با تلاش برای مخدوش جلوه دادن دستاوردهای خلق شوروی و حزب در ساختمان سوسیالیسم مقابله کردند.

یگور لیگ‌چف عضو هیات سیاسی و دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی یک سخنرانی در گورکی تاکید کرد موضع رسمی حزب کماکان بر این است که مناسبات بین المللی، خصلت طبقاتی دارند. وی نسبت به خطر کپیبرداری از نظام اقتصاد بازار غرب در اتحاد شوروی هشدار داد. لیگ‌چف همچنین خطر برداشتهای نادرست از دمکراسی را گوشزد کرد و به عنوان نمونه، به این تمایل اشاره کرد که برای حل مسائل ناشی از دگرگونی اقتصادی، اعتصاب مجاز اعلام شود. لیگ‌چف گفت در سوسیالیسم نظام اجتماعی متعلق به زحمتکشان است، انجام اعتصاب بی‌معنی است. وی افزود در جامعه شوروی راههای دیگر و دمکراتیک و سازنده برای حل اختلافات وجود دارد.

لیگ‌چف در نطق خود ضمن پرداختن به

حوادث خونین در برمه



روز جمعه ۱۲ اوت خیرگزاری ها گزارش دادند ژنرال اوسین لوین رئیس جمهور و رهبر حزب حاکم برمه که تنها ۱۷ روز پیش از آن، بدنبال چند ماه ناآرامی در این کشور آسیایی به این سمت انتخاب شده بود، استعفا داده است. کناره گیری لوین در پی گسترش اعتراضات و تظاهرات مردم علیه وی و کشته شدن شمار زیادی از آنها در درگیری با نیروهای رژیم صورت گرفت.

برمه میان هند، چین، لائوس و تایلند واقع شده است. برمه تا قرن نوزدهم تحت حکومت چند سلسله پادشاهی بود که در مناطق مختلف این کشور حکومت می کردند. در سال ۱۸۸۶، بریتانیا برمه را ضمیمه مستعمره خود در هند کرد. برمه از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ تحت اشغال ژاپن قرار داشت. در ۴ ژانویه ۱۹۴۸، برمه استقلال و خروج خود را از اتحادیه کشورهای مشترک المنافع اعلام کرد و اندکی بعد به عضویت سازمان ملل درآمد.

در دوم مارس ۱۹۶۲ بدنبال یک کودتای نظامی، "شورای انقلاب" به ریاست نهوین زمام امور را به دست گرفت. در سال ۱۹۷۱، قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید که در آن بر سر "راه رشد فیر سرمایه داری" تاکید

شده است. ۶۷ درصد جمعیت فعال برمه دهقانند. در چندماه اخیر، تضادهای اجتماعی در این کشور حدت گرفته اند. حتی اعلام مکرر حکومت نظامی در رانگون پایتخت برمه نیز که آخرین مورد آن، در روز چهارشنبه ۱۳ اوت بود، نتوانست جلوی تظاهرات در خیابانها و میادین شهر را بگیرد. در روز سه شنبه ۹ اوت در جریان اقدامات اعتراضی صدها هزار تن از بقیه در صفحه ۱۰

اعلام آتش بس در آنگولا

اول نوامبر ۱۹۸۸ نامیبیا مستقل خواهد شد

۴۳۵ خود برای استقلال نامیبیا اعلام کرده است، آغاز خواهد شد. در این قطعنامه که ۱۰ سال پیش به تصویب رسید، پیش بینی می شود که قدرت به مردم نامیبیا انتقال یابد و انتخابات آزاد در این کشور تحت نظارت سازمان ملل برگزار شود.

در چارچوب توافق اخیر، آنگولا و کوبا بر تصمیم خود مبنی بر خروج تدریجی و کامل داوطلبان کوبایی از آنگولا تاکید می کنند. آنگولا و کوبا متعهد شده اند تا تاریخ اول سپتامبر ۱۹۸۸، برنامه زمانی این خروج را اعلام کنند.

طرفهای مذاکره برای "تقویت اعتماد متقابل، کاستن از خطر رویارویی نظامی و فراهم آوردن شرایط پایان مذاکرات در منطقه" یک سلسله تدابیر عملی بقیه در صفحه ۹

آنگولا، کوبا و آفریقای جنوبی بر سر اعلام فوری آتش بس در آنگولا توافق کردند. این خبر در روز دوشنبه ۸ اوت بطور همزمان در لواندا پایتخت آنگولا، هاوانا، پرتوریا پایتخت آفریقای جنوبی و واشنگتن اعلام شد. قرار است در روز اول نوامبر ۱۹۸۸، نامیبیا استقلال یابد.

وزیر خارجه رژیم آفریقای جنوبی همزمان با اعلام آتش بس در آنگولا گفت که نیروهای این کشور از روز چهارشنبه ۱۰ اوت، خاک آنگولا را ترک می کنند: نژادپرستان در طول سالهای اخیر با اعزام هزاران سرباز به خاک آنگولا باعث تلفات و خسارات سنگینی شده اند.

طبق توافق اعلام شده، در روز اول نوامبر وندی که شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، نمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۲۱	۲۴

بهای اشتراك نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

درباره تحولات در چین

اظهارات اعضای هیات نمایندگی

حزب کمونیست آرژانتین در بازگشت از چین

در صفحه ۸

در این شماره

• پیشگام در آغاز چهارمین سال انتشار

در صفحه ۲

• آغاز خروج نیروهای شوروی از کابل

در صفحه ۱۰

• نظارت سازمان ملل بر آتش بس

در صفحه ۳

AKSARIYAT
NO. 220

MONDAY, 15 AUG, '88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک های
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید